

The Position of the Family in the Structure of the Divine City and Islamic Civilization, Inspired by Verses 30-35 of Surah Al-Baqarah

Ahmad Aghaeizadeh Torabi¹

Abstract

Verses 30 to 35 of Surah Al-Baqarah present a significant part of the story of Adam's creation and the settlement of him and his spouse in Paradise. According to some Quranic exegetes, this Quranic narrative is an allegorical yet real depiction of human life on Earth. Studying the verses of creation from this perspective can yield lessons for the better living of Adam's descendants on Earth, revealing the essential necessities and warnings that humans face in their material and spiritual existence. The findings of this research indicate that, based on these verses, following the principle of human creation and his inherent potentials by God, and considering the philosophy of human creation (growth and trial), the most crucial necessities of his life are: forming a family and participating in community and society, followed by the issue of housing, then sustenance provision, and finally, individual and social responsibility. In this study, Adam's Paradise is referred to as the first human dwelling on Earth, termed the "City of God." The authors have endeavored to demonstrate the position and role of the family and the spousal system within the structure of the Divine City—what it was and what it should be. A city that, if properly established, can shape a comprehensive Islamic civilization on Earth.

Keywords: Family, City, Adam's Paradise, The Language of the Quran.

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Iran, Aghaeezadeha@mums.ac.ir

جایگاه خانواده در ساختار شهر الهی و تمدن اسلامی با الهام از آیه ۳۰ و ۳۵ سوره بقره*

احمد آقایی زاده ترابی^۱

چکیده

در آیه ۳۰ تا ۳۵ سوره بقره، بخشی مهم از داستان آفرینش آدم و اسکان او و همسرش در بهشت مطرح شده است. از نظر برخی مفسران، این گزارش قرآنی بیانی تمثیلی و در عین حال واقعی از زندگی انسان در کره خاک است و مطالعه آیات آفرینش از این منظر، می تواند آموزه هایی برای بهتر زیستن فرزندان آدم در زمین به همراه داشته باشد و نشان دهد که آدمی در حیات مادی و معنوی خود با چه ضرورت ها و هشدارهایی روبه رو است. نتایج این پژوهش نشان می دهد بر اساس آیات یادشده، پس از اصل آفرینش انسان و استعدادهای فطری او از سوی خدا، با توجه به فلسفه آفرینش انسان (رشد و آزمون)، مهم ترین ضرورت زندگی او، تشکیل خانواده و حضور در جمع و جامعه و سپس موضوع مسکن و در مرحله بعد تأمین غذا و در نهایت، مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی است. در این پژوهش، بهشت آدم به عنوان نخستین مسکن انسان در زمین، شهر خدا نامیده شده است و نویسنده کوشیده است نشان دهد جایگاه خانواده و نظام همسری در ساختار شهر الهی چه بوده است و چه باید باشد؛ شهری که اگر درست بنا شود، می تواند شکل دهنده تمدن فراگیر اسلامی در زمین باشد.

واژگان کلیدی: خانواده، شهر، بهشت آدم، زبان قرآن.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۱۷، تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۷/۸.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jtc.2025.71435.1054

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران.

Aghaezadeha@mums.ac.ir

مقدمه

آنگاه که خدا اراده کرد «آدم» را بیافریند، اراده خود را با فرشتگان در میان گذاشت و فرمود:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (بقره/۳۰)؛ «من در زمین جانشینی قرار خواهم داد!»

فرشتگان با نشانه‌هایی که در اختیار داشتند، درباره آدم و نسل او به داوری پرداختند و گفتند: ﴿أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ﴾ (بقره/۳۰)؛ «آیا موجودی را در زمین قرار می‌دهی که فسادگر و سفاک است». خداوند در پاسخ فرشتگان می‌فرماید: ﴿إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۳۰) «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید». در واقع خداوند به فرشتگان می‌گوید داوری شما درباره نسل بشر، کامل و همه‌جانبه نیست؛ زیرا اگر در میان فرزندان آدم، برخی راه فساد و خون‌ریزی را در پیش می‌گیرند، برخی دیگر با اراده و انتخاب درست - و نه عصمت ذاتی - در دشوارترین بحران‌های زندگی، خواهند درخشید و جلوه‌هایی عظیم از ایمان، عبودیت و ایثار و جهاد را در برابر چشمان هستی به نمایش می‌گذارند و جایگاه برتر آدم و نسل او را بر شما فرشتگان به اثبات می‌رسانند.

این چنین شد که خدا آدم را آفرید و فرشتگان را که مدعی کمال و نزاهت خود و نقصان آدم بودند، فرمان داد: ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (ص/۷۲)؛ «پس از این که آفرینش آدم را سامان دادم و در او روح دمیدم، همگان برای او به سجده درافتید». فرشتگان به فرمان خدا بر آدم سجده بردند و به اطاعت خدا پرداختند و بدین‌گونه در برابر کمالات آدم - که بر محور آگاهی و اراده و انتخاب استوار بود - فروتنی ورزیدند و از آن پس هیچ فرشته‌ای در برابر آدمیان ادعای برتری و تقدم نکرد؛ چنان که رسول خدا در سیر آسمانی خود از جبرئیل خواست تا جلوتر از او حرکت کند و جبرئیل گفت: از آن زمان که خدا فرمان‌مان داد تا بر آدم سجده بریم، ما هرگز بر آدمیان تقدم نجسته‌ایم. (حویزی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۱۶)

از آن پس آدم به‌عنوان مسجود فرشتگان و موجودی برتر از آنان، باید اثبات کند که به‌راستی شایسته آن جایگاه و تکریم بوده است، اما آدم، هنوز آماده این هم‌اوردی نبود؛ زیرا موجودی تنها بود و در انزوای فردیت خود، میدانی برای اثبات شخصیت خویش نداشت. نه زمینه‌ای برای محبت‌ورزی و ایثارگری و فداکاری می‌یافت و نه صحنه‌ای برای رقابت و عداوت و بدخواهی



می‌شناخت. این گونه بود که نمی‌توانست شایستگی‌های خود را بروز دهد و به فرشتگان بنمایاند. افزون‌براین، آدم، انسان بود و نیازمند انس و الفت و تعامل با دیگران و او در این تعامل و زیست انسانی، می‌توانست شایستگی‌ها و کمالات خویش را شکوفا سازد و به ثبت رساند. آدم به حضور در جمع و جامعه نیاز داشت؛ جامعه‌ای که خانواده، هسته مرکزی و اصلی آن به‌شمار می‌آمد و خدا که از عمق نیاز آدم آگاه بود، بدون آن که خود آدم بداند و تمنا کند، نیاز او را برآورده ساخت و همسری برایش قرار داد. از آن پس بود که آدم و همسرش به خلافت در زمین دست یافتند و در معرض «الطاف مادی و معنوی» و نیز «مسئولیت‌ها و تکالیف» قرار گرفتند و در جزیره یا جنگل و یا بوستانی زمینی - که به‌عنوان منزل‌گاهی امن و سرشار از نعمات متنوع از سوی خدا به آنان هدیه داده شد- استقرار یافتند

﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/۳۵)؛ «و گفتیم ای آدم خود و همسرت در این باغ مسکن گزینید، هر گونه و از هر کجای آن خواهید فراوان بخورید ولی به این درخت نزدیک نشوید که از سیه کاران خواهید شد»

۱. آدم و همسرش، نخستین شهروندان شهر خدا

آدم و همسرش در باغی پر درخت و پر محصول استقرار یافتند و از شهروندان شهر خدا در زمین گردیدند؛^۱ شهری که بهترین و کامل‌ترین شرایط زیست یک خانواده را داشت و اگر آنان و فرزندان‌شان، حریم آن جایگاه را نگه می‌داشتند، هرگز گرفتار گرسنگی و برهنگی و تشنگی و مرارت نمی‌شدند. ﴿إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ﴾ (طه/۱۱۸ و ۱۱۹)؛ «تو در این بوستان نه‌گرسنه می‌شوی و نه برهنه می‌مانی و نه تشنه می‌شوی و نه از حرارت آفتاب آزار می‌بینی.»

اگر بهشت آدم‌را، بوستانی در زمین بدانیم، پیام آیه برای مخاطبان قرآن این است که ظرفیت و امکانات طبیعی زمین به قدری است که پاسخ‌گوی نیازهای مختلف انسان برای عصرها و نسل‌ها

۱. درباره بهشت آدم چهار دیدگاه وجود دارد که در صفحات بعد اشاره خواهیم کرد.

خواهد بود به شرط آن که انسان به شجره ممنوعه (ظلم، بی عدالتی، فزون خواهی، ضعیف کشی، استثمار و استعمار و غیره) نزدیک نشود و قوانین فطری و الهی را نشکند. اما دریغ که آنان در نخستین تجربه زندگی خود، گرفتار غفلت و کم توجهی شدند و با یک انتخاب نادرست، سلامت، امنیت، رفاه و آسایش خود را به خطر انداختند. (بقره/۳۶)

ما در این پژوهش، بر اساس این که بهشت آدم را جزیره، جنگل و یا بوستانی در زمین دانسته ایم،^۱ در صدد شناسایی ویژگی های این شهر ایده آل برآمده ایم تا از این طریق، الگویی برای فرزندان آدم در عصر حاضر ارائه دهیم که نگرانی های مادی و معنوی در آن کمتر به چشم آید و فضای «خوب زیستن» در آن هر چه بیشتر مهیا باشد.

۲. نگاهی گذرا به زبان قرآن در آیات آفرینش

نقطه کانونی این پژوهش، تبیین مشخصات و ویژگی های شهر ایده آل خدا برای آدم و خانواده اوست تا در پرتو تأملات قرآنی و تفسیری و تحلیلی دریابیم که آیا آن مشخصات یا بخشی از آنها قابل دستیابی و بازسازی در همه زیستگاه های امروز فرزندان آدم در زمین هست یا خیر؟ دستیابی به چنین تحلیل و تفسیری نیازمند بهره گیری از روش تفسیری خاص و نگارش ویژه به بیان و زبان و سبک گزاره های قرآن در نقل داستان آفرینش و آیات پیرامونی آن است.

تلاش ما در این تدبر قرآنی می تواند تلاشی در راستای رمزگشایی پیام های قرآنی به شمار آید؛ پیام هایی که در دلالت های ضمنی و التزامی و کنایی و اشاره ای آیات الهی نهفته است و در حدیثی از امام صادق علیه السلام به آن اشاره شده است: «كِتَابُ اللَّهِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللَّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ؛ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۱۰۳) «کتاب خدا بر چهار سطح استوار شده است:

۱. این نویسنده با مبانی تفسیری خود به این نتیجه رسیده بود که بهشت آدم، بوستانی در زمین بوده است و خوشبختانه در مطالعات بعدی متوجه شد که در روایاتی از اهل بیت علیهم السلام این برداشت تأیید شده است: «فی الکافی و العلل و القمی عن الصادق علیه السلام: آنها کانت من جنان الدنيا یطلع فیها الشمس و القمر و لو کانت من جنان الخلد ما خرج منها أبداً.» (فیض کاشانی؛ ج ۱، ص ۱۱۶)

عبارات، اشارات، لطایف و حقایق. عبارات برای عوام، اشارات برای خواص، لطائف برای اولیای الهی و حقایق برای انبیاست.»

اهتمام ما در این پژوهش، عبور از «فهم مخاطبان عام» و ورود به «فهم اشارات قرآن» است.

۳. بهشت آدم، منزلگاهی ایده‌آل، در زمین

بیشتر مفسران قرآن طی بیش از ۱۳ قرن، آیات مربوط به «چگونگی آفرینش آدم» و «بهشت آدم» و «شجره ممنوعه» را بر ظاهر الفاظ حمل کرده‌اند و همچون گزاره‌های متعارف بشری برشمرده‌اند. در این بین کمتر مفسری را می‌توان یافت که زبان قرآن را در این آیات، زبان استعاره و کنایه و اشاره بداند. بر همین اساس بیشتر مفسران در تفسیر ﴿يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ بر این باور بوده‌اند که منظور از جنت در این آیه، بهشت موعود یا بهشتی در آسمان (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۹۴) یا بهشت برزخی (جوادی جلد ۳ ذیل آیه ۳۵ بقره) بوده است. استدلال ایشان نسبت به این تفسیر نیز این بوده است که الف (بیشترین کاربرد واژه جنت در قرآن، ناظر به بهشت جاودان بوده است؛ ب) موضوع هبوط آدم و همسرش از بهشت به زمین، حکایت از آن دارد که آدم و همسرش در مکانی بالاتر از زمین بوده‌اند و از آن ارتفاع به سمت زمین سقوط کرده‌اند. ﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ﴾ (بقره/۳۶)؛ «پس شیطان آن‌دورا به لغزش واداشت و از جایگاه و موقعیتی که در آن بودند، اخراج کرد، (آنگاه ما به آدم و همسرش) گفتیم: از جایگاه خود به زمین فرود آید. زمینی که به‌عنوان زیستگاه جدید شما، همواره مستلزم عداوت و رزی برخی از شما با برخی دیگر است.»

در این میان برخی از مفسران هم معتقد بوده‌اند بهشت آدم، بوستانی از بوستان‌های زمین - جنگل یا جزیره‌ای سرسبز و پر میوه - بوده است، نه بهشتی در آسمان (خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۵۸)؛ زیرا خداوند قبل از آفریدن آدم به فرشتگان، اعلام کرده بود که زیستگاه آدم، زمین خواهد بود: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (بقره/۳۰)؛ «و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بر آنم تا در زمین جانشینی قرار دهم.»

بنابراین از همان آغاز معلوم بود که آفرینش آدم در زمین بوده است و ادامه زندگی او نیز در



زمین خواهد بود، اما استفاده از لفظ «جَنَّت» نمی‌تواند بر آسمانی بودن نخستین منزلگاه آدم دلالت داشته باشد؛ زیرا جَنَّت به هر سرزمینی گفته می‌شود که دارای پوشش گیاهی انبوه و درختان فروان است، همچنان که «جَنَّت» در آیه ﴿وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ...﴾ (کهف/۳۲) قطعاً به معنای بوستان و باغی در زمین است.

«برای مردم نمونه بیاور آن دو مرد را که ما به یکی از آن‌ها دو باغ انگور داده بودیم، ولی صاحب باغ، گرفتار کفران و ناسپاسی شد و در نتیجه حاصل باغ‌های او از میان رفت.»

پس کاربرد واژه «جَنَّت» در قرآن، به بهشت جاودان اختصاص ندارد و بنابراین مانعی ندارد که «جَنَّت آدم» به معنای باغ، جنگل یا جزیره‌ای سرسبز در همین دنیا باشد و در آن صورت «هیوط» نه به معنای سقوط از کراهی به کراهی دیگر، بلکه به معنای تنزل مرتبه معنوی و نیز کم شدن آسایش و آرامش و امنیت آدم و همسرش بوده است (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۷۲)، (شبر، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸۹)، (مکارم، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۱۸۷)

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: آیا بهشت آدم از بوستان‌های دنیا بود یا بهشت جاودان؟ امام فرمود: از بوستان‌های همین دنیا بوده است که خورشید و ماه در آن طلوع می‌کرد و اگر بهشت آخرت بود نه آدم از آن اخراج می‌شد و نه ابلیس بدان راه می‌یافت! (قمی/ج ۱/۴۳؛ فیض، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۱۶)

تأکید این پژوهش بر زمینی بودن بهشت آدم از آن‌روست که اگر بهشت آدم را زمینی ندانیم، آیه ۳۵ سوره بقره - آیه مورد استناد ما در این پژوهش - نمی‌تواند الگوی مناسبی برای شهری ایده‌آل در زمین باشد و برداشت‌های ما از این آیه، تناسبی با زندگی زمینی انسان نخواهد داشت.

۴. «خانواده‌نگری» مبنای مسکن و شهرسازی در تمدن الهی

نخستین موضوعی که در آیات مرتبط به آفرینش آدم مطرح شده است، موضوع آفرینش همسر برای اوست. دومین موضوع مهمی که خداوند به آن تصریح کرده است، تأمین مسکن برای خانواده‌ای است که هنوز متشکل از یک زوج می‌باشد: ﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ (بقره/۳۵). بنا بر این آیات، خداوند وقتی آدم را آفرید و هنوز همسری برایش قرار نداده

بود، سخنی از محل سکونت و استقرار او به میان نیاورد، گویی از نگاه خداوند، انسان منفرد و بی همسر، انسانی ناتمام و فاقد شرایط لازم برای تکریم و حمایت ویژه در نظام الهی- و حداقل فاقد اولویت- است؛ زیرا نسل انسان بدون همسر و خانواده در معرض انقراض خواهد بود و انگیزه لازم برای تعهدپذیری را نخواهد داشت، بنابراین عمرش از فرصت‌ها و تهدیدها و دلبستگی‌ها و وابستگی‌ها و وارستگی‌ها کمتر بهره می‌گیرد. چنین چیزی قاعدتاً به معنای نقض هدف خداوند از آفرینش آدم خواهد بود؛ زیرا انسان منفرد و بدون تعهدات خانوادگی و اجتماعی، نمی‌تواند جوهره وجود خود را در کوره آزمون‌ها و ابتلائات که فلسفه آفرینش آدم است، بروز دهد.^۱ (حقی برسوی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۷)

به بیان دیگر، انسان منفرد، دارای فلسفه زیستی و زندگی در این جهان نیست؛ زیرا خانواده، تضمین‌کننده استمرار زندگی بشر در زمین و پیدایش نسل‌ها و رشد و پرورش آنان و شکل‌گیری جوامع بزرگ انسانی و تمدن الهی در پرتو بعثت انبیا و سبقت در نیکی‌ها و ایثار و جهاد و تقواست. البته این سخن بدان معنا نیست که انسان‌های بدون همسر و کسانی که به هر دلیل نتوانسته‌اند تشکیل خانواده دهند، مشکل وجودی و معنوی دارند و نباید در جامعه مورد توجه قرار گیرند و یا کسی به تأمین نیازها و رفع مشکلات آنان بیندیشد. این ادعا به معنای آن است که اگر پیش فرض آفریدگار هستی - به عنوان خالق و مدبّر آن - آفرینش مردان و زنان منفرد و گسسته از هم بود، برای استمرار حیات بشر در زمین و فراهم آوردن زمینه‌های رشد و نگهداری و حمایت از آنان و نیز انتقال فرهنگ الهی از نسلی به نسل دیگر، باید تدبیر دیگری می‌اندیشید. در این صورت لازم بود انسان را همچون بسیاری از حیوانات، تنها از طریق غرایز و کشش‌های غریزی هدایت می‌کرد و پیامبری را بر نمی‌انگیخت و کتابی را برای هدایت انسان‌ها نمی‌فرستاد؛ زیرا انسان‌های منفرد و گسسته از پیوندهای خانوادگی، مجال اندک و میدان کوچکی برای شکوفایی استعدادهای نهفته و تعهد و تعالی و در نهایت، ابتلا و آزمون دارند. در واقع این خانواده است که میدان

۱. ثم اعلم ان الله تعالى خلق حواء لامر تقتضيه الحكمة ليدفع آدم وحشته بها لكونها من جنسه و ليقبى الذرية على ممر الأزمان و الأيام الى ساعة القيام فان بقاءها سبب لبعثة الأنبياء و تشريع الشرائع و الاحكام و نتيجة لامر معرفة الله فان الله تعالى خلق الخلق لاجلها.

دل‌بستگی‌های عمیق و وابستگی‌های شدید می‌باشد و در این دل‌بستگی‌ها و وابستگی‌هاست که میدان آزمون‌های گسترده را می‌گشاید و میزان وارستگی انسان‌ها برای فرشتگان و خود آدمیان به نمایش می‌گذارد.

انسان در مقام خلافت الهی در زمین، مدیر و مدبر خانواده، عشیره، شهر و یا جامعه خود است و ناگزیر باید هم جامعه‌پذیر و هم مسئولیت‌پذیر باشد و رسالت هدایت‌گری و حمایت و حفاظت از خانواده خود را در ابعاد مادی و معنوی برعهده گیرد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ (تحریم/۶)؛

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگها است، دور نگه دارید»

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ (طه/۱۳۲)؛ «و خانواده‌ات را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار باش.»

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِ الرِّضَاعَةَ﴾ (بقره/۲۳۳)؛
 «و مادران باید فرزندان‌شان را دو سال کامل شیر دهند. [این حکم] برای کسی است که می‌خواهد دوران شیرخوارگی [کودک] را تکمیل کند»

﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره/۲۳۳)؛
 «و خوراک و پوشاک این مادران، به وجهی نیکو بر عهده (پدر و) صاحب فرزند است.»
 ﴿وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ﴾ (بقره/۲۳۳)؛

«و- اگر پدر در قید حیات نباشد، هزینه خوراک و پوشاک مادر- بر عهده وارث پدر است.»
 این آیات بخشی از تعهدات و وظایف معنوی و مادی سرپرستان خانواده را بیان کرده است. کسانی که از تشکیل خانواده امتناع ورزند، از این مسئولیت فطری و الهی پرهیز کرده‌اند و بخشی از اهداف الهی را بر زمین نهاده‌اند؛ زیرا انسان در متن زندگی خانوادگی و اجتماعی است که فرصت می‌یابد صفات متعالی خود را بروز دهد و همچون خداوند رحیم و کریم و رزاق که دارای رحمت گسترده بر آفریده‌های خود است، دل‌باخته رحمت بر همسر و فرزندان و شیفته کرامت بر خاندان خود گردد و این رحمت و کرامت در حق خانواده، تمرینی برای به‌کارگیری آن

درباره دیگر انسان‌ها خواهد بود. در واقع، خانواده همان جامعه کوچک است که همه باید‌ها و نبایدهای یک جامعه بزرگ را در خود نهفته دارد و انسان به تدبیر الهی، روحیه مسئولیت‌پذیری، حق‌شناسی، وفاداری، رحمت و عطف و ورزی را از خانواده فرامی‌گیرد و در جامعه گسترش می‌دهد.

آیات ذیل، با همه تنوع بیان، در اهتمام به نسل و ذریه، اشتراک دارند:

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ (فرقان / ۷۴)؛
 (پروردگارا، ما را همسران و فرزندان عطا فرما که مایه چشم روشنی ما باشند، و ما را (سر خیل پاکان و) پیشوای اهل تقوا قرار ده). ﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً﴾ (آل عمران / ۳۸)؛
 (پروردگارا، مرا (به لطف خویش) فرزندی پاک سرشت عطا فرما) ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾ (اعراف / ۱۷۲)؛ (و به یاد آر هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و آنها را بر خودشان گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: بلی، ما گواهی دهیم).

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾ (طور / ۲۱)؛ «کسانی که ایمان آوردند و فرزندان‌شان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندان‌شان را در بهشت به آنان ملحق می‌کنیم.»

﴿فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ﴾ (غافر / ۷-۸)؛ «خدایا! آنان که [به سوی تو بازگشتند و از راه تو پیروی کردند] به باغ‌های جاودان بهشت؛ وارد ساز! و هر یک از پدران و همسران و فرزندان‌شان را که نیکوکار بوده‌اند به بهشت رهنمون باش» این آیات نشان می‌دهد نگاه قرآن به «خانواده» هم جنبه تربیتی و آموزشی و هم جنبه عاطفی و اخلاقی دارد و در عین حال همین پیوند مستحکم و وثیق فطری را وسیله‌ای برای آزمون انسان‌ها در زندگی می‌داند و هشدار می‌دهد که مبادا پدرها و مادرها، در مسیر حمایت و حفاظت از خانواده خود، گرفتار بی‌عدالتی و ظلم و اجحاف به دیگران شوند: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (انفال / ۲۸)؛



«و بدانید که اموال و فرزندانان آزمایشی (برای شما) هستند و البته نزد خداوند (برای کسانی که از عهده‌ی آزمایش برآیند)، پاداشی بزرگ است.»

قرآن در اوج تشویق مؤمنان به حمایت از خانواده هشدار می‌دهد که:
الف: شیطان درصدد سوءاستفاده از مال و فرزندان انسان است: ﴿شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ﴾ (اسراء/۶۴)

ب: خطر فزون‌خواهی در مال و فرزند وجود دارد: ﴿تَكَاثُرُ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ﴾ (حدید/۲۰)
ج: فرزند و مال می‌تواند انسان را از یاد خدا باز دارد: ﴿لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ (منافقون/۹)

فلسفه هر دو دسته از آیات، تأمین هدف آفرینش انسان یعنی رشد و تعالی از یک سو و ابتلا و آزمون از سوی دیگر است: ﴿وَلْتَبْلُوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/۱۵۵)؛ «و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات می‌آزمایم و مژده ده‌شکیبایان را»

۵. تسهیل و ترویج ازدواج، حتی قبل از تأمین مسکن

از آیه ﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ (بقره/۳۵) و سبک ورود قرآن به بازگفت زندگی آدم در این جهان، استفاده می‌شود که تسهیل امر ازدواج و هموار ساختن شرایط تشکیل خانواده برای همه کسانی که قابلیت همسری و نیاز به آن را دارند، نخستین ضرورت زندگی انسانی در تمدن الهی است و فقدان مسکن مناسب و معیشت بهینه خانواده، نباید بهانه ترک ازدواج یا تأخیر آن شود. خداوند در نقل داستان آدم - به‌عنوان نماد همه انسان‌ها در طول تاریخ - این روند را در عمل نشان داده و تأیید کرده است؛ زیرا از سیاق آیه و ارتباط آن با آیات قبل نشان می‌دهد خداوند در فاصله آفرینش آدم و اعطای مسکن مناسب به او، همسرش را آفرید و میان او و همسرش، آشنایی و الفت برقرار کرد و سپس به آدم نوید داد که آن دو دارای مسکن خواهند بود و می‌توانند از شرایط خوب آن بهره‌مند شوند.

اگر ما در این آیه و آیات مشابه، واژه «آدم» را به معنای نوع آدمیان (شعرانی، ۱۳۸۶، ج ۱،

ص ۵۸) و یا نماد همه انسان‌ها از آغاز تا پایان تاریخ بدانیم، چنان که برخی مفسران بدان تصریح کرده‌اند (طالقانی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۱۲۶)، در خواهیم یافت که داستان آدم، داستان بشریت در کل تاریخ است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۲۷) و تصریح خدا بر برخی حقایق و ضرورت‌های زندگی آدم در پوشش گزارش‌های خبری و داستانی، نوعی نزول آیات از افق برتر، به ساحل فهم و ادراک توده‌هاست. البته خداوند می‌دانسته است که تدبرکنندگان در قرآن، هنگام ضرورت، به معارف نهفته آیات پی خواهند برد و ذخایر معرفتی کلام الهی را همچون ذخایر مادی زمین به تدریج کشف خواهند کرد.

کسانی که به حیوانی بودن قرآن اعتقاد دارند، نه تنها محتوای آن، بلکه تک‌تک واژگانش را از جانب خداوند می‌دانند و معتقدند کلام الهی، دقیق و فشرده است و معمولاً به اصلی‌ترین پیام‌ها می‌پردازد و مفاهیم مفید، اما نیازمند تأمل و تدریج را به فحوای کلام و قراین حالی و کلامی و عقلی واگذار می‌کند. همچنین معتقدند سبک گویش و جمله‌بندی و تقدم و تأخر کلمات قرآن نیز دارای اشاراتی است که برای ژرف‌کاوان، به تدریج مکشوف خواهد شد.

شایان توجه است آنچه ما به عنوان «ضرورت تشکیل خانواده، حتی قبل از داشتن مسکن و معیشت مستقل جوانان از آیه ۳۵ سوره بقره استفاده کردیم، در آیه ۳۲ سوره نور به صراحت بیان شده است؛ مانند: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور/۳۲)؛ «[مردان و زنان] بی همسران و نیز غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید، اگر تهیدست باشند، خدا آنان را از فضل خود بی نیاز می‌کند و خدا بسیار عطاکننده و داناست.»

در این آیه، مخاطب «و انکحوا...» نه خود جوانان جامعه بلکه سرپرستان خانواده و مدیران نهادهای فرهنگی و اخلاقی و سلامت جسمی و روانی جامعه هستند که باید در امر همسرگزینی

۱. آدم نمونه و نایب جنس بشر است پس اگر آن روز خداوند ملائکه را وادار کرد تا برای آدم سجده کنند، از این جهت که خلیفه خدا در زمین است، در حقیقت این حکم سجده شامل همه افراد بشر می‌شود و در حقیقت سجده ملائکه برای خصوص آدم، از این باب بوده است که آدم، قائم‌مقام و نمونه و نایب همه جنس بشر بوده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۰۴)



دختران و پسران، نقشی مثبت و فعال ایفا کنند و چنانچه رشد و قابلیت همسری را در آنان شاهد بودند، نگران فقر و تنگدستی اقتصادی آنان نباشند و مانع ازدواج آنان نشوند، بلکه هموارکننده این مسیر باشند؛ زیرا خدا آنان را از فضل خود بهره‌مند و توانگر خواهد کرد.

۶. مدیران جامعه، مسئول تحکیم بنیان خانواده و حمایت از آن

خدا به‌عنوان خالق انسان، مدیر و مدبر و سامان‌دهنده زندگی او نیز هست که پس از تدارک همسر برای آدم، بی‌درنگ زمینه مسکن‌دار شدن آنان را فراهم کرده است و دسترسی به مواد غذایی سرشار و متنوع را میسر ساخته است تا شرایطی متعادل و متناسب برای بروز لیاقت‌ها و استعدادها و قابلیت‌های آنان فراهم آید. این امر، درسی برای همه آنان است که خلافت خدا در زمین را برعهده دارند؛ یعنی پدران، مادران، مدیران اجتماعی و رهبران الهی که باید نگران سلامت مادی و معنوی فرزندان و شهروندان شهر خدا باشند و در تأمین ضرورت‌های زندگی آنان کوتاهی نکنند. همان‌گونه که پدران و مادران، خلافت الهی را در انعقاد نطفه و تولد فرزندان برعهده گرفته‌اند باید در تأمین مسکن و غذا و پوشاک فرزندان نیز این خلافت را برعهده گیرند. مدیران سیاسی و اجتماعی که مدیریت و رهبری جامعه را برعهده گرفته‌اند باید اولویت‌های نیاز مردمان را از یاد نبرند و از تحکیم پایه‌های خانواده و تأمین مسکن مناسب و غذای سرشار از مواد سالم و مقوی غفلت نورزند، بلکه این امور را از وظایف خود برشمارند.

در آیه موردبحث، سخن از قرار گرفتن مسکن در اختیار آدم و همسرش به میان آمده است و نه تملیک مسکن به آنان و می‌توان نتیجه گرفت تأمین مسکن مناسب برای زوج‌های جوان، ضرورتاً به معنای تملیک مسکن به آنان نیست، بلکه می‌تواند تسهیل دسترسی و بهره‌برداری از آن باشد تا به تدریج با تلاش و کار، مالک مسکن شوند. نکته دیگری که می‌توان از آیه استفاده کرد این است که مدیران اجتماعی در شهرسازی و ساخت مسکن باید خانواده‌نگر باشند و به تحکیم خانواده و حفاظت از امنیت و پایداری و سلامت و نشاط آن به‌عنوان یک اصل بیندیشند.

۷. تأمین معیشت و نیازهای اقتصادی

باید دید که تصریح خداوند به آدم و همسرش درباره بهره‌وری آنان از تنوع غذایی و فراوانی آن چه هدفی را دنبال می‌کرده است:

﴿وَكَلَّا مِنْهَا رَعْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا﴾؛ «و بخورید از محصولات این بوستان هر اندازه و به هر شکل که می‌خواهید».

۱. نخستین نکته‌ای که از آیه می‌توان استفاده کرد در تعبیر «رَعْدًا» نهفته است که مفسران در معنای آن گفته‌اند: «رَعْدًا أَي رَزَقًا وَاسِعًا كَثِيرًا» (ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷)؛ یعنی خداوند برای آدم و همسر او به‌عنوان سلسله‌نوع بشر، تنوع غذایی را تجویز نموده، بلکه لازم شمرده است؛ زیرا انسان به منظور تأمین مواد موردنیاز بدن، نیازمند تنوع غذایی است. (ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷)

۲. دومین پیام آیه در عبارت «حَيْثُ شِئْتُمَا» گنجانده شده است که نشان می‌دهد بهره‌وری انسان از انواع خوراکی‌های موجود در زمین، مجاز و بدون محدودیت است؛ یعنی حکم اولیه همه خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های زمین، حلیت است، مگر موارد محدود و تعریف‌شده‌ای که در ادامه آیه آمده است: «و لا تقربا هذه الشجرة»؛ یعنی انسان استقرار یافته در زمین، مجاز است از همه خوراکی‌های متنوع و پرشمار و در هر زمان استفاده کند و تنها باید به یک درخت نزدیک نشود، درختی که تنه و ریشه‌های واحد دارد (هر چیزی که برای انسان مضر و زیان‌بار است)، ولی شاخ و برگ‌های آن متعدد است.

به بیان دیگر در شهر خدا باید بهره‌وری‌های گسترده و ممنوعیت‌ها در مقایسه با آن اندک باشد؛ چنان که برخی مفسران نوشته‌اند: این آیه، ردی است به آنان که اهل ریاضت و تصوف هستند و غذاهای پاکیزه و زینت‌های زندگی را بر خود حرام شمرده‌اند (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ۴۲۶)

استفاده‌ای که این پژوهش از مطلب فوق دارد، این است که: ۱. مدیران خانواده باید تلاش کنند محل زندگی خانواده خود را در جایی انتخاب کنند که امکانات طبیعی و اجتماعی فراوان باشد و دسترسی به مواد لازم غذایی، هر چند با تلاش و فعالیت پدر و مادر، میسر باشد تا



خانواده، گرفتار فقر اقتصادی و غذایی و فرهنگی نشود؛ ۲. مدیران اجتماعی و کارگزاران نظام سیاسی و اقتصادی به منظور حمایت از خانواده، با مطالعه و بصیرت لازم برای پی‌ریزی شهرهای جدید، موضوع امنیت غذایی و امکان تأمین اقتصادی شهروندان را مورد توجه جدی قرار دهند و در شکل‌دهی به ساختار شهرها، موضوع دسترسی آسان به محصولات غذایی سالم و مسئله رفاه خانواده را از نظر دور ندارند. اگر این دسترسی و تأمین، لوازمی از قبیل امنیت اجتماعی و امنیت حقوقی و امنیت شغلی را می‌طلبد، در تدارک آنها کوتاهی نکنند، چنان‌که آفریدگار جهان و انسان این موارد را برای سرسلسله نسل بشر تأمین کرده است.

امروز شاهدیم در بسیاری از شهرها، اولیای خانواده برای دسترسی به کار و تأمین معیشت بخش زیادی از عمر و زمان را به طی مسافت طولانی در هر روز اختصاص می‌دهند و در پایان روز با جسمی خسته و روانی افسرده به کانون خانواده باز می‌گردند.

و یا شاهدیم که خانواده‌هایی در حاشیه شهرها، گرفتار مسکن‌های فرسوده و ناامن هستند و فرزندان‌شان به انواع فقر غذایی و فرهنگی مبتلا هستند.

همچنین برخی از شهرها و روستاها در مسیر مسیلهای آب‌های موسمی باران قرار دارند و همواره از این جهت تهدید می‌شوند.

در نظام اسلامی، کارگزاران در سطوح و جایگاه‌های مختلف باید زمینه‌های تحکیم و سلامت و امنیت غذایی و شغلی و اجتماعی شهروندان شهر خدا را محور همه طراحی‌ها و ساختارهای شهری و اجتماعی قرار دهند.

نتیجه‌گیری

براساس آنچه بحث شد از آیه ۳۵ تا ۳۷ سوره بقره موارد ذیل را درمی‌یابیم:

۱. ضرورت هموار ساختن راه ازدواج و تشکیل خانواده برای همه کسانی که قابلیت همسری و نیاز به آن را دارند (حتی قبل از تأمین بالفعل مسکن و معیشت خانواده)؛
۲. تأمین مسکن برای خانواده‌ها با رعایت امنیت و جذابیت‌های بصری و آرامش‌بخشی

جسمی و روانی؛

۳. اهمیت توجه به تأمین رفاه، آسایش، غذا و دسترسی آسان به مواد غذایی متنوع و حلال؛

۴. ضرورت قانون‌گذاری برای حفظ بهداشت تن و سلامت روح و روان شهروندان؛

۵. آموزش بایدها و نبایدهای قانونی به شهروندان و اطلاع‌رسانی مناسب و متعادل به آنان

در باره فرصت‌ها و تهدیدها؛

۶. فراوانی، تکثر و تنوع برخورداری‌های مادی و روانی شهروندان در جامعه دینی، در

مقایسه با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های قانونی.

شاید به نظر آید که بیشتر نکته‌ها و دستاوردهای این پژوهش، در شمار امور بدیهی و طبیعی

و غریزی انسان به‌شمار می‌آید و تصریح به آنها، کشفی مهم نیست، اما دقت در شرایط فرهنگی،

اجتماعی و اخلاقی نسل جوان در جوامع اسلامی و حتی دیگر جوامع، نشان می‌دهد که دقیقاً

جریان‌های شیطانی در نبرد با فطرت انسانی توانسته‌اند خانواده را متلاشی کنند و از تمایل جوانان

به ازدواج سالم و در کانون خانواده به بهانه‌های مختلف بکاهند و حتی حیوان‌پروری را برای

ملت‌ها، جایگزین فرزندپروری کنند و این خطری است که موجودیت جوامع انسانی و اخلاق و

فرهنگ و دین‌داری را به شدت تهدید می‌کند.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱ق). تفسیر غریب القرآن (چاپ اول)، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی). بیروت: دار إحياء التراث العربی .
۳. جوادی آملی، تسنیم جلد ۳ ذیل سوره بقره آیه ۳۵.
۴. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا)، تفسیر روح البیان (چاپ اول). بیروت: دار الفکر.
۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین (چاپ چهارم). قم: اسماعیلیان.
۶. خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق). التفسیر القرآنی للقرآن (چاپ اول). بیروت: دار الفکر العربی.
۷. شبّر، عبدالله (۱۴۰۷ق)، الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین (چاپ اول). کویت: شرکه مکتبه الالفین.
۸. شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۶). پژوهش های قرآنی علامه شعرانی در تفاسیر مجمع البیان، روح الجنان و منهج الصادقین (چاپ دوم). قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۹. طالقانی، محمود (۱۳۶۲ش). پرتوی از قرآن (چاپ چهارم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان (چاپ پنجم). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البيان في تفسير القرآن (چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.
۱۳. فيض كاشاني، محمد بن شاه مرتضى (۱۴۱۵ق). تفسير الصافي (چاپ دوم). تهران: مكتبة الصدر.
۱۴. ماتريدي، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق). تأويلات أهل السنة (تفسير الماتريدي)، بيروت: دارالكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون.
۱۵. مجلسي، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار (چاپ سوم). بيروت: داراحياء التراث العرب.
۱۶. مكارم شيرازي، ناصر (۱۳۷۱ش). تفسير نمونه (چاپ دهم). تهران: دارالكتب الإسلامية.